

## شناخت ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور

\* محسن رنانی

\*\* شیرین اربابیان

\*\*\* محمد میرزایی

### چکیده

امروزه بخش غیررسمی، بخش مهمی از اقتصاد و بازار نیروی کار را در کشورهای در حال توسعه تشکیل می‌دهد. از آنجایی که مشارکت زنان در بازار کار در حال گسترش است، لذا نمی‌توان از حضور زنان در بخش غیررسمی چشم‌پوشی نمود. در این مقاله با تأکید بر ساختار اشتغال در بخش غیررسمی ایران، وضعیت اشتغال زنان در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بیانگر این مطلب است که احتمال اشتغال زنان در بخش غیررسمی بسیار بالاتر از مردان است. به طوری که تقریباً از هر دو نفر زن شاغل یک نفر (۵۰ درصد) آنها در بخش غیررسمی فعالیت می‌کند. علاوه بر این بررسی سهم اشتغال غیررسمی در بخش‌های عمده اقتصادی و بر اساس ویژگی‌های مختلف نیروی کار نیز نشان از آن دارد که شانس حضور زنان در بخش غیررسمی بسیار بالاتر از مردان است.

کلیدواژه‌ها: بخش غیررسمی، ساختار اشتغال زنان، بخش نامنظم، بخش غیرقانونی، بخش خانوار

طبقه‌بندی JEL: O17، J21

Email: renani@ase.ui.ac.ir

\* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

\*\* دکترای اقتصاد دانشگاه اصفهان و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی

Email: arbabian\_sh@yahoo.com

Email: mohammad\_mirza@yahoo.com

\*\*\* کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستم‌های اقتصادی

## ۱- مقدمه

امروزه میلیونها نفر در سرتاسر دنیا (به ویژه در کشورهای درحال توسعه) در واحدهای اقتصادی مشغول فعالیت هستند که کوچک بودن مقیاس و حجم عملیات، کاربرد بودن روش‌های تولید، شفاف نبودن روابط کار و مهارت‌های اندک شاغلان آن از مهمترین مشخصات این بنگاه‌ها است. این فعالیت‌ها، فعالیت‌های غیررسمی نامیده شده‌اند که یا به دلیل عدم توانایی لازم و یا به دلیل عدم تطابق با چارچوب‌های قانونی، انگیزه لازم برای پیروی از قوانین و مقررات را ندارند و از این رو خارج از بخش رسمی قرار می‌گیرند. براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار از روند اشتغال جهان، جهانی شدن تجارت با گسترش بخش غیررسمی همراه بوده است به طوری که ۵۰ تا ۷۵ درصد نیروی کار کشورهای در حال توسعه را تحت تأثیر قرار داده است (۲۵ درصد از جمعیت کار جهان در این بخش فعالیت می‌کنند و ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تولید می‌کنند).

از سوی دیگر در دهه‌های اخیر شاهد افزایش سریع‌تر مشارکت نیروی کار زنان نسبت به مردان در بیشتر مناطق جهان هستیم. شواهد موجود نشان می‌دهد که وضعیت اشتغال زنان در جهان تابعی از نیاز جامعه، اهداف فردی زنان از اشتغال، فراهم بودن زمینه‌های مناسب و یا شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن جامعه می‌باشد. علاوه بر این تحقیقات جهانی بیانگر آن است که اشتغال زنان و داشتن درآمدی مستقل جهت ادامه زندگی و تأمین نیازهای خود و خانواده امری انکارناپذیر است و زنان تنها دریافت کننده کمک در جامعه محسوب نمی‌شوند بلکه خود نقش مشارکتی را بر عهده دارند (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۰). کشور ما نیز در راستای تحولات جهانی و همچنین به واسطه شکل‌گیری هنجارهای جدید اجتماعی تغییراتی را در خصوص جایگاه اجتماعی زنان در بازار کار شاهد بوده است. به گونه‌ای که امروزه زن در بازار کار تولید کننده، مشارکت کننده و در عین حال برخوردار شونده از درآمد ناشی از کار می‌باشد. اما متأسفانه هنوز زن در بازار کار جایگاه اصلی خود را به عنوان یکی از اعضا جامعه به دست نیاورده است. به گونه‌ای که زنان بیشتر مشاغلی را عهده‌دار می‌شوند که در بخش غیررسمی قرار دارند زیرا آنها از آموزش‌های رسمی و حرفه‌ای پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند. زنان به شکل‌های مختلف با تبعیض مستقیم و غیرمستقیم روبرو هستند و بار سنگین مسئولیت خانواده را نیز بر دوش دارند. زنان بیشتر از مردان در زمان‌های مختلف چرخه

زندگی خود اقدام به ترک یا ورود مجدد به کار می‌کنند اما به علت اینکه اغلب از آموزش‌های عمومی برخوردار نیستند در نهایت به مشاغل غیررسمی روی می‌آورند (سازمان بین‌المللی کار،<sup>۱</sup> ۲۰۰۲).

در اکثر کشورها، زنان بین ۶۰ تا ۸۰ درصد کل اشتغال غیررسمی را به خود اختصاص داده‌اند به طوری که غالباً بخش غیررسمی را با ظاهری زنانه می‌شناسند. اکثریت زنان در مشاغلی با بهره‌وری و مهارت پایین فعالیت می‌کنند (تولید غذا، دوزندگی پوشاک و خدمات داخلی) و نسبت به مردان پول کمتری برای انجام کارشان دریافت می‌کنند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۵).

این مقاله با تکیه بر تجربه مطالعه سایر کشورها در مورد حضور زنان در بخش غیررسمی و مفهومی که سازمان بین‌المللی کار (ILO) در مورد بخش غیررسمی ارائه کرده است همچنین با کاربرد یک روش تلفیقی و جدید برای شناخت ساختار بخش غیررسمی، سعی دارد تصویر واضحی از ساختار حضور زنان در این بخش برای کل کشور ارائه کند. روشن است که تحولات مربوط به حضور و نقش زنان در اقتصاد ایران در همه عرصه‌های رسمی و غیررسمی در حال رخ دادن است. و البته این تحولات در بخش رسمی گسترده‌تر و اساسی‌تر است. اما از آن جا که مطالعات متعددی در مورد اشتغال زنان در بخش رسمی وجود دارد این مطالعه ماموریت خود را بر اشتغال زنان در بخش غیررسمی قرار داده است، تحولات اشتغال زنان نیز فقط در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲- مفهوم بخش غیررسمی

به طور کلی، دهه ۱۹۷۰ را می‌توان دهه رشد و ارتقاء مفاهیم نظری بخش غیررسمی دانست. به طوری که در اوایل دهه ۷۰ اصطلاح بخش غیررسمی، همزمان با ارائه این واژه توسط هیأت اعزامی سازمان بین‌المللی کار به کنیا<sup>۲</sup> در مجامع بین‌المللی نیز مطرح گردید. در طول این دوره کتاب‌ها، مقالات و مطالعات متعددی توسط سازمان بین‌المللی کار (ILO) انجام گرفت و در کنار آن کنفرانس‌های مختلفی نیز در ارتباط با بخش غیررسمی و تاثیر آن بر اشتغال برگزار شد. پس از آن و در پی درخواست چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمارکار در سال

<sup>۱</sup>. International Labour Organization

<sup>۲</sup>.Kenya

۱۹۸۷، سازمان بین‌المللی کار به طور جدی رسالت تحقیق و مطالعه پیرامون پدیده بخشی غیررسمی را به عهده گرفت و بالاخره در سال ۱۹۹۳، در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی کارشناسان آمار کار، مفهوم بخش غیررسمی و دستورالعمل‌های تکنیکی جمع‌آوری آمار و اطلاعات این بخش ارائه گردید. بر این اساس دو مفهوم اساسی از بخش غیررسمی معرفی گردید:

(۱) بخش غیررسمی، ترکیبی از واحدهای شاغل در تولید کالا و خدمات می‌باشد که هدف اولیه آنها ایجاد اشتغال و درآمد است. این واحدها در سطح پائینی از سازماندهی، با تقسیم کار محدود بین عوامل تولید (کار و سرمایه) و یا بدون تقسیم کار بین عوامل تولید، قرار دارند و در مقیاس کوچک عمل می‌کنند. روابط کار به جای این که بر مبنای اصول قراردادی یا ضمانت‌های رسمی باشد، غالباً مبتنی بر اشتغال موقت، روابط خویشاوندی و شخصی است.

(۲) واحدهای تولیدی بخش غیررسمی ویژگی‌هایی را از بنگاه‌های خانواری<sup>۱</sup> دارا می‌باشند. دارایی‌های ثابت و سایر دارایی‌های استفاده شده به واحدهای تولیدی تعلق ندارد، بلکه به صاحبانشان متعلق هستند. واحدهای بخش غیررسمی نمی‌توانند از طرف خودشان در مبادلات حضور یابند یا با سایر واحدها طرف قرارداد شوند و ایجاد بدهی نمایند. مالکان با ریسک خودشان در موارد ضروری تأمین مالی می‌شوند و بدون هیچ محدودیتی شخصاً بابت هر بدهی یا الزامات فرآیند تولید بدهکار می‌گردند. مخارج تولید، اغلب قابل تمایز از مخارج خانوار نیست. به طور مشابه کالاهای سرمایه‌ای نظیر ساختمان‌ها یا اتومبیل‌ها نیز ممکن است به صورت غیرقابل تمایز برای مقاصد کاری یا نیازهای خانوار مورد استفاده قرار گیرد (سازمان بین‌المللی کار، ۱۹۹۳).

به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی به ۵ بخش تقسیم می‌شوند (توماس و دیگران، ۱۳۷۶):  
 ۱- بخش رسمی، ۲- بخش غیررسمی، ۳- بخش خانوار، ۴- بخش نامنظم، ۵- بخش غیر قانونی

۱- بخش رسمی، کالا و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت و تولید آن کالا قانونی و بنگاه‌های فعال در آن بخش، ثبت شده و قابل نظارت هستند. به دلیل ماهیت این بخش، اعمال نظارت توسط دستگاه‌های دولتی بر فعالیت‌های آن وجود دارد. از آنجا که فعالیت‌های دولتی

<sup>۱</sup>. Household Enterprise

همگی قانونی، ثبت شده و قابل نظارت هستند، در بخش رسمی قرار می‌گیرند و در نتیجه می‌توان فعالیت‌های موجود در بخش رسمی را به دو دسته فعالیت‌های خصوصی (شامل بنگاه‌های انفرادی، سهامی، شرکتی و تعاونی) و دولتی تقسیم نمود.

۲- بخش غیررسمی، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت، تولید و مبادله آنها قانونی است. فعالیت‌های این بخش نیز یا به صورت ثبت شده اما غیر قابل نظارت توسط دستگاه‌های دولتی می‌باشد و یا به صورت فعالیت‌های ثبت نشده است که مبادلات بنگاه‌ها در آن به صورت قانونی انجام می‌گیرد. برای مثال خدمات جزئی (سیگار فروشی)، تولیدکنندگان جزئی (کارگاه‌های کوچک)، خدمات حمل و نقل (مسافرکشی)، دلالی و خدمات خانگی و سایر فعالیت‌های همراه با فرار از مالیات، فرار از قوانین و مقررات (حداقل دستمزد، سقف و کف قیمت و قوانین مربوط به استانداردها) و فرار از پرداخت‌های بیمه اجتماعی، در بخش غیررسمی جای می‌گیرند.

علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی در حساب‌های ملی، عمدتاً ناشی از دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش است. نکته قابل توجه در مورد بخش غیررسمی این است که کالاها و خدمات تولیدی توسط این بخش و نیز مصرف آنها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز است.

۳- بخش خانوار، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که در همین بخش مصرف می‌شود. ویژگی بخش خانوار عدم عرضه کالاهای تولیدی خود به بازار و در نتیجه فقدان قیمت برای کالاهای تولیدی است این ویژگی ارزیابی محصولات این بخش را دشوار می‌سازد و بدین لحاظ در حساب‌های ملی نادیده گرفته می‌شود. به عبارت دیگر این بخش کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت و تولید آن قانونی ولی فعالیت‌های آن بخش در مراکز آماری ثبت نشده و دارای هیچ‌گونه مبادلات بازاری نمی‌باشد. به عنوان مثال خانه‌داری، کارهای داوطلبانه و کارهای خیریه در بخش خانوار قرار می‌گیرند.

تفاوت عمده بخش غیررسمی و بخش خانوار این است که تولیدات بخش غیررسمی برخلاف تولیدات خانگی یا به صورت کالا و خدمات واسطه‌ای به سایر تولیدکنندگان و یا به صورت کالا و خدمات نهایی به مصرف کننده، به فروش می‌رسد و این بدان معنی است که مبادلات بازاری صورت می‌گیرد. بنابراین چون مبادلات بازاری باعث به وجود آمدن آمار مبتنی

برقیمت است علتی برای منظور نمودن آن در حسابداری ملی وجود ندارد (هرچند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منظور نمی‌شود).

۴- بخش نامنظم، ویژگی عمده فعالیت‌های آن است که با وجود قانونی و مجاز بودن اصل تولید کالا و خدمات، در نحوه تولید و یا توزیع آن کاری خلاف مقررات و غیرقانونی صورت گرفته است. به عبارتی کلیه فعالیت‌هایی که ماهیت و تولید آن قانونی می‌باشند ولی بنگاه‌های فعال در آن به صورت ثبت نشده فعالیت می‌کنند و به صورت غیرقانونی مبادلات خود را انجام می‌دهند، بخش نامنظم را تشکیل می‌دهند. قاچاق کالا، چاپ، تکثیر و انتشار کتابهای نایاب از سوی افراد متفرقه و... از جمله فعالیت‌هایی هستند که در بخش نامنظم جای می‌گیرند. تفاوت عمده بخش غیررسمی و بخش نامنظم در این است که با وجود آن‌که ماهیت محصول تولیدی و فرآیند تولید محصول در هر دو بخش قانونی است، اما مبادلات بنگاه‌های فعال در بخش غیررسمی به صورت قانونی و بنگاه‌های فعال در بخش نامنظم مبادلاتشان به صورت غیرقانونی می‌باشد.

۵- بخش غیرقانونی، تولیدات از نظر ماهیت تولید و نیز توزیع و مصرف آنها، غیرقانونی و شامل فعالیت‌ها و تولید کالاها و خدمات خلاف قانون نظیر مال دزدی، خرید و فروش مواد مخدر، اخذی و غیره می‌باشد. ویژگی اصلی این بخش آن است که مقامات دولتی معمولاً به دنبال پایان دادن به این گونه فعالیت‌ها هستند. با توجه به این‌که خلاف کاران، قاچاقچیان و جنایت کاران عمل خود را گزارش نمی‌کنند بدیهی است که در حساب‌های ملی نیز منظور نمی‌گردند. این نوع فعالیت‌ها دامنه بسیار وسیعی دارد و از فعالیت مهندسی که گیرنده‌های ماهواره‌ای غیرقانونی می‌سازد تا فعالیت مافیای بین‌المللی مواد مخدر را دربر می‌گیرد.

بطورکلی در تحقیق حاضر برای تقسیم‌بندی فعالیت‌ها و تفکیک بخش‌های اقتصادی سه ویژگی ماهیت کالا، تولید کالا و نحوه مبادله در نظر گرفته شده است. در واقع برمبنای این سه ویژگی است که بخش‌ها از یکدیگر تفکیک می‌گردند. بخش غیررسمی، کالاها و خدماتی را تولید می‌کند که ماهیت، تولید و مبادله آنها قانونی است. فعالیت‌های این بخش نیز یا به صورت ثبت شده اما غیر قابل نظارت توسط دستگاه‌های دولتی می‌باشد و یا به صورت فعالیت‌های ثبت نشده است که مبادلات بنگاه‌ها در آن به صورت قانونی انجام می‌گیرد.

نتایج ارزیابی بخش‌های مختلف اقتصاد در بین فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان در جدول (۱) خلاصه نمود. براساس جدول یاد شده آنچه موجب تفاوت بخش‌های فوق می‌گردد، تفاوت در ماهیت و فرآیند تولید، ماهیت توزیع، وجود یا عدم وجود مبادلات بازاری و امکان یا عدم امکان نظارت و اعمال سیاست است.

جدول (۱): مقایسه بخش‌های مختلف اقتصادی در بین فعالیت‌های اقتصادی از دید این تحقیق

ماهیت توزیع (مبادله)	فرآیند تولید	ماهیت محصول تولیدی	قابلیت نظارت و اعمال سیاست	مبادلات بازاری	
قانونی	قانونی	قانونی	دارد	دارد	بخش رسمی
قانونی	قانونی	قانونی	ندارد	دارد	بخش غیررسمی
قانونی	قانونی	قانونی	ندارد	ندارد	بخش خانوار
غیرقانونی	قانونی	قانونی	ندارد	دارد	بخش نامنظم
غیرقانونی	قانونی/غیرقانونی	غیرقانونی	ندارد	دارد	بخش غیرقانونی

مأخذ: رنانی (۱۳۸۴)

### ۳- زنان در بخش غیررسمی

اغلب زنان به دلیل کمبود فرصت اشتغال در بخش رسمی وارد بخش غیررسمی می‌شوند. به علاوه اغلب آنها فاقد تحصیلات و مهارت‌های لازم برای اشتغال در بخش رسمی هستند. عوامل متعدد دیگری نیز هستند که زنان را مجبور به اشتغال در بخش غیررسمی و مشارکت در سایر فعالیت‌های کم درآمد می‌کنند. تبعیض‌های جنسیتی در بازار کار، عوامل فرهنگی در بعضی کشورها که قابلیت جابه‌جایی زنان را کاهش می‌دهند، مسئولیت‌پذیری زنان نسبت به خانواده و فرزندانشان - منجر به این می‌شود زنان مشاغل خانگی را ترجیح دهند- و کمبود خدمات مراقبت از کودک و پرستاری با قیمت مناسب از جمله این عوامل می‌باشد (اسکاپ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۶).

به عبارت دیگر، شرایط اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، کار در بیرون از منزل به صورت غیرمتشکل و نامنظم را برای زنان ناپسند کرده است. به طوری که زنان تمایل دارند در مشاغل دارای جا و مکان ثابت و مشخصی به خصوص در منازل خودشان به تولید و ارائه خدمات

<sup>۱</sup> . Escap

بپردازند و از پرداختن به فعالیت‌هایی که مستلزم حضور در سطح شهر است هرچند دارای درآمد بالایی باشد، پرهیز کنند (احمدی شادمهری، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

درجه مشارکت زنان در بخش غیررسمی بطور مشخص قابل اندازه‌گیری نیست. زنان اغلب در واحدهای کوچک کار می‌کنند که مشارکت‌شان قبل رؤیت نیست (تولید برای مصارف شخصی، خانه‌داری...).

در بسیاری از کشورهای درحال توسعه آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین، اکثریت فرصت‌های شغلی جدید در بخش غیررسمی ایجاد شده و نسبت بالایی از زنان را در بر گرفته است. بسیاری از مشاغل که زنان در آنها مشغول به کار هستند، متعلق به بخش غیررسمی است. به طوری که  $\frac{2}{3}$  جمعیت فعال زنان در کشورهای درحال توسعه در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند.

بیش از ۹۰ درصد کارگران کشاورز زن در هند و اندونزی، ۸۰ درصد کارگران کشاورز زن در پرو و بیش از ۴۰ درصد کارگران زن در کره جنوبی در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند. این نسبت در صحرای مادون آفریقا به بالای ۸۴ درصد می‌رسد.

بسیاری از کشورها در آسیای شرقی و جنوب شرقی، بخش غیررسمی بزرگ و درحال رشدی دارند. به طوری که ۶۵ درصد اشتغال غیرکشاورزی در آسیا به صورت اشتغال غیررسمی است. آسیای جنوبی نیز بخش غیررسمی بزرگی دارد برای نمونه در هند ۹۲ درصد نیروی کار در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند و ۹۶ درصد کارگران زن هستند (میترا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ چاکسی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). در جنوب شرقی آسیا، در بیشتر موارد زنان حداقل نیمی از نیروی کار بخش غیررسمی را تشکیل می‌دهند. به طوری که موقعیت سه شهر آسیای شرقی ووهان<sup>۳</sup>، گانگ زو<sup>۴</sup>، آلان باتار<sup>۵</sup> نشان می‌دهد که حضور زنان در بخش غیررسمی شهری، در این شهرها نیز قابل ملاحظه است، به طوری که میزان آن از ۳۶/۹ درصد در گانگ زو تا ۴۶ درصد در ووهان و آلان باتار تغییر می‌کند.

<sup>1</sup> . Mitra

<sup>2</sup> . Chouksey

<sup>3</sup> . Wuhan

<sup>4</sup> . Gungzhou

<sup>5</sup> . Ulaonbautar



یافته های یک بررسی در داکا نشان می دهد که ۶۷/۹ درصد از زنان مورد مطالعه از آغاز جوانی در کارهای خانگی مشغول به کارند، طبق این بررسی کارهای فیزیکی در رتبه بعدی برای مشاغل زنان در بخش غیررسمی قرار دارند. تحقیق دیگری در بنگال نشان می دهد که بیش از نیمی از جمع کنندگان ضایعات، زنان هستند (سازمان بین المللی کار، ۲۰۰۲).

به طور کلی، بخش غیر رسمی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از آن که منبع اشتغال مردان باشد، منبعی برای اشتغال زنان می باشد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ در هند، فیلیپین و اندونزی، سهم مشارکت زنان در بخش غیر رسمی غیر کشاورزی از سهم مشارکت مردان بیشتر بوده است. در تایلند مشارکت زنان ۵۴ درصد بوده در حالی که سهم مشارکت مردان ۴۹ درصد بوده است. در اندونزی ۷۰ درصد زنان شاغل در بخش غیر رسمی خود اشتغال بوده اند در حالی که تعداد مردان خود اشتغال این کشور ۵۹ درصد بوده است (اسکاپ، ۲۰۰۶: ۶).

در بخش غیررسمی بسیاری از افراد برای افزایش بهره‌وری‌شان با محدودیت روبرو هستند (برای نمونه جوامع روستایی، جوانان (بروار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۷)، افراد با توانایی پایین (پری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۱۲) و زنان (مورای<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۵). یکی از بزرگترین چالش‌ها این است که این افراد (بسیاری از دختران) نمی‌توانند تحصیلات خود را تمام کنند زیرا فرصت مدرسه رفتن را ندارند و ناگزیر وارد بخش غیررسمی می‌شوند (چاکسی، ۲۰۰۷: ۸).

بنابراین افرادی که در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند برای افزایش بهره‌وری‌شان، نیاز اساسی به کسب مهارت دارند. اغلب سطح آموزش و مهارت کارگران غیررسمی زن پایین‌تر از مردان است. زنان غالباً در کسب آموزش و مهارت فاقد مزیت هستند و این از ارزش‌گذاری پایین اجتماعی برای آموزش زنان ناشی می‌شود. در بسیاری از فرهنگ‌ها به پسران بیشتر از دختران ارجح داده می‌شود. در سنین پایین، خانواده‌ها در تحصیلات پسران بیشتر از دختران سرمایه‌گذاری می‌کنند و همین مسأله از ابتدا یک شکاف آموزشی بین پسران و دختران ایجاد می‌کند. معمولاً دختران زودتر از پسران ناگزیر به ترک مدرسه می‌شوند. همچنین مسئولیت زنان

---

1. Brewer

2. Perry

3. Murray

برای خانه‌داری و مراقبت از کودکان باعث می‌شود که زمان ناچیزی برای کسب آموزش داشته باشند (مورای، ۲۰۰۸: ۵؛ کاپت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۷).

ارتباط بین کار کردن در بخش غیررسمی و فقیر بودن برای زنان قوی‌تر از مردان است. نه تنها در بخش غیررسمی، زنان درصد بیشتری از مردان شاغل را تشکیل می‌دهند بلکه زنان در بخش‌هایی مشغول به کار هستند که درآمدهای پایین‌تری دارد و برای بقا به عنوان کارگران مزدبگیر موقتی یا خانگی مشغول به کار می‌باشند. در بخش‌های دارای درآمد بالاتر در اقتصاد غیررسمی، زنان در مقیاس عملیاتی کوچکتر و با رشد بالقوه کمتری در مقایسه با مردان به کار مشغولند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۲). به طوری که درآمد کارگران غیررسمی زن تنها ۴۴ درصد هم‌متایان آنها در بخش رسمی است در صورتی که کارگران غیررسمی مرد ۶۵ درصد هم‌متایان خود در بخش رسمی درآمد دارند (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۰۶).

#### ۴- مطالعات بخش غیررسمی و زنان

مطالعات متعددی در خصوص سهم بخش غیررسمی و ویژگی‌های شاغلان در این بخش انجام گرفته است. اغلب این مطالعات علاوه بر تاکید خاصی که بر کل شاغلان بخش غیررسمی داشته‌اند، حضور زنان در بخش غیررسمی و تفاوت‌های جنسیتی در این بخش را نیز مورد تأکید قرار داده‌اند.

فانخوسر<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) با استفاده از نتایج آمارگیری خانوارها در ۵ کشور آمریکای مرکزی از جمله گواتمالا، السالوادور، هندوراس، نیکاراگوئه و کاستاریکا به مطالعه عوامل تعیین‌کننده اشتغال و ساختار درآمد در دو بخش رسمی و غیررسمی پرداخته است. وی نتیجه گرفته است که در گواتمالا، السالوادور و هندوراس، بخش غیررسمی بین ۶۰ درصد تا ۷۵ درصد و در کاستاریکا ۶۶ درصد نیروی کار را در بر گرفته است. براساس نتایج این مطالعه، به لحاظ شاخص سن، میانگین سن در میان شاغلان بخش غیررسمی بالاتر از شاغلان بخش رسمی می‌باشد. ساعات کارکرد در گواتمالا، السالوادور و هندوراس هم برای مردان و هم برای زنان در بخش غیررسمی بالاتر است. از لحاظ متوسط درآمد، به طور کلی در میان مردان درآمد شاغلان بخش

<sup>۱</sup>. Capt

<sup>۲</sup>. Funkhouser

رسمی حداقل ۲۱ درصد و حداکثر ۸۳ درصد از درآمد شاغلان بخش غیررسمی بیشتر است. شاخص میانگین سالهای تحصیلات برای مردان در بخش رسمی ۲۵ تا ۵۰ درصد بالاتر از این میانگین در بخش غیررسمی و این نسبت برای زنان به حدود دو برابر نیز می‌رسد. همچنین با انجام رگرسیون چند متغیره، ارتباط منفی و معنی‌داری بین سطح تحصیلات و اشتغال در بخش غیررسمی ملاحظه شده که این بدین معناست که با افزایش سطح تحصیلات اشتغال در بخش غیررسمی کاهش می‌یابد.

برنابا<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، به مطالعه اشتغال غیررسمی در کشورهای در حال گذار پرداخته است. وی شاغلان غیررسمی در کشورهای در حال گذار را به ۵ دسته تقسیم می‌کند، کارکنان خوداشتغال، کارکنان فامیلی بدون مزد، کارکنان غیررسمی، سایر غیررسمی‌ها و افراد دارای با شغل ثانویه غیررسمی. کارکنان خوداشتغال و کارکنان فامیلی به‌صورت شاغلان در بنگاه‌های بخش غیررسمی تعریف می‌شوند. معیار غیررسمی بودن مزد و حقوق بگیران، شفاهی و توافقی بودن قرار دارد استخدام و عدم بهره‌مندی از بیمه و تأمین اجتماعی است. افراد دارای شغل موقت یا فصلی در گروه سایر غیررسمی قرار می‌گیرند. همچنین افرادی که شغل اصلی آنها رسمی و شغل دوم آنها غیررسمی است جزء شاغلان غیررسمی محسوب شده‌اند. نتایج مطالعه وی حاکی از این مطلب است که افراد دارای تحصیلات پایین‌تر بیشتر به‌صورت غیررسمی کار می‌کرده‌اند، به‌گونه‌ای که ۶۶ درصد از کسانی که دارای تحصیلات متوسطه بوده‌اند اشتغال غیررسمی داشته‌اند و این رقم برای افرادی که دارای تحصیلات عالی بوده‌اند ۲۹ درصد بوده است. همچنین ۴۳ درصد از شاغلان غیررسمی مرد و ۵۷ درصد زن هستند که بیشتر به‌صورت کارکنان فامیلی بدون مزد فعالیت دارند. همچنین اشتغال غیررسمی در روستاها بیشتر از شهرها می‌باشد، به‌گونه‌ای که ۳۸ درصد از شاغلان شهری و ۶۲ درصد از شاغلان روستایی، غیررسمی هستند. همچنین اشتغال غیررسمی بیشتر در فعالیت‌های مربوط به خدمات مزد بگیر داخلی، کشاورزی، تجارت و ساختمان می‌باشد.

در ایران نیز در دهه اخیر مطالعات متنوعی درباره اقتصاد غیررسمی و بخش غیررسمی انجام شده است که در آنها به برآورد اشتغال در بخش غیررسمی و عوامل گسترش‌دهنده بخش غیررسمی پرداخته شده است (نایب، ۱۳۷۸؛ شکیبایی، ۱۳۸۰؛ عرب مازار، ۱۳۸۴ و نیلی، ۱۳۸۵).

<sup>۱</sup>. Bernabe

در این قسمت به مطالعاتی اشاره می‌شود که سهم زنان در این بخش نیز مور توجه قرار گرفته است.

لهسایی زاده و امیدی (۱۳۸۰: ۴۸-۲۵) به مطالعه جایگاه زنان در اقتصاد غیررسمی پرداخته اند. هدف مطالعه آنان تحلیل نقش زنان در اقتصاد غیررسمی از طریق محاسبه ارزش افزوده خدمات زنان خانه‌دار در منزل بوده که در شهر اردل بر روی ۲۵۰ نفر زن متأهل انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سهم زنان در ارزش افزوده خانوار رقیمی بالغ بر ۶۵ درصد است.

رنانی (۱۳۸۲) ساختار اشتغال در بخش غیررسمی استان اصفهان را شناسایی و سهم اشتغال بخش غیررسمی را در این استان در دوره ۸۱-۱۳۷۸ برآورد کرد. نتایج نشان می‌دهد که بخش غیررسمی استان، در این دوره روند صعودی و آرامی را تجربه نموده و به طور متوسط حدود ۳۶ درصد از اشتغال استان را به خود اختصاص داده است. بخش کشاورزی بیش از سایر بخش‌های اقتصادی و بخش خدمات کمتر از سایرین زمینه‌ساز فعالیت‌های غیررسمی استان می‌باشد. همچنین زنان نسبت به مردان، روستائیان نسبت به شهری‌ها و عرضه‌کنندگان کار با مدرک دیپلم و پایین‌تر از دیپلم نسبت به دارندگان مدارک بالاتر از دیپلم، بیشتر مستعد حضور در بخش غیررسمی هستند.

احمدی شادمهری (۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۳۹) در مطالعه خود وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی شهرستان مشهد را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که عمده شاغلان این بخش در گروه‌های سنی بالا متمرکز شده‌اند و اکثریت آنان بی‌سوادند (۲۴ درصد) یا از سواد اندکی برخوردارند (۷۹ درصد). همچنین در حدود ۸۴ درصد زنان در مشاغل دارای مکان ثابت به خصوص در منازلشان به تولید و ارائه خدمات مشغول هستند. کارهای هنری، خیاطی و کارآموز آرایشگری و بافندگی در حدود ۱۸ درصد از این مشاغل را به خود اختصاص داده است و بخش عمده آنان یعنی ۹۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

مطالعه رضوانی (۱۳۸۶)، در مطالعه خود با توصیف بازار کار شهری استان قم و با استفاده از تعاریف بین‌المللی در مورد بخش غیررسمی و اشتغال غیررسمی به تمایز بین اشتغال رسمی و غیررسمی پرداخته است. داده‌های مورد نیاز پژوهش توسط پرسش‌نامه، مطابق با چارچوب ارائه شده توسط سازمان بین‌المللی کار و بر اساس نیازهای بومی استان قم جمع‌آوری شده است.

نمونه‌های پیمایش به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سیستماتیک و به تعداد ۴۰۰ نمونه در کل شهر قم جمع‌آوری شده است. نتایج نشان داده است که:

- زنان، روستاییان و افراد پایین‌تر از دیپلم به ترتیب با احتمال بیشتری نسبت به مردان، شهری‌ها و شاغلان دیپلم به بالا جذب فعالیت‌های بخش غیررسمی می‌گردند.
- صرف‌نظر از منطقه محل سکونت، زنان با میزان تحصیلات کمتر از دیپلم در مقایسه با مردان شانس کمتری برای ورود و فعالیت در بخش رسمی دارند.
- صرف‌نظر از سطح تحصیلات، زنان روستایی در مقایسه با زنان شهری با احتمال بالاتری جذب فعالیت‌های بخش غیررسمی می‌شوند.
- مقایسه سهم اشتغال در بخش غیررسمی در بخش‌های مختلف اقتصادی استان نیز بیانگر این موضوع است که ویژگی‌های «زن بودن»، «روستایی بودن» و «زیر دیپلم بودن» همچنان ویژگی‌های غالب غیررسمی بودن در انواع بخش‌های اقتصادی هستند.

#### ۵- روش تحقیق

در این مطالعه جهت برآورد اشتغال غیررسمی از سه ویژگی مهم شغلی افراد یعنی نوع شغل، نوع فعالیت و وضعیت شغلی استفاده می‌شود. با توجه به این سه ویژگی ماتریسی تحت عنوان «شغل-فعالیت» طراحی شده و برای هر یک از انواع «وضعیت‌های شغلی» یک ماتریس «شغل-فعالیت» در نظر گرفته می‌شود. یکی از ابعاد این ماتریس ترکیبی را «نوع شغل» و بعد دیگر آن را «نوع فعالیت» تشکیل می‌دهد. مقدار آرایه‌های این ماتریس بر مبنای تعلق یک «فعالیت» یا «شغل» یا «وضعیت شغلی» به بخش رسمی یا بخش غیررسمی تعیین می‌گردد.

تعلق یا عدم تعلق هر یک از مشاغل به بخش غیررسمی - بر اساس معیارهای اعلام شده از سوی ILO - با در نظر گرفتن سه ویژگی «نوع فعالیت»، «نوع شغل» و «وضعیت شغلی» برای هر یک از کدهای چهار رقمی طبقه بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی<sup>۱</sup> - سطح کدهای چهار رقمی - از طریق یکی از روشهای نگرش سنجی از کارشناسان مربوطه صورت می‌گیرد. با استفاده از این روش می‌توان کد فعالیت‌هایی که تعلق صریح آنها به بخش رسمی یا

<sup>۱</sup> International Standard Industrial Classification of All Economic Activities (ISIC)

غیررسمی مشخص است را تعیین نمود. در ادامه با ترکیب نتایج حاصل به تفکیک «نوع فعالیت»، «نوع شغل» و «وضعیت شغلی»، یک «ضریب تعلق اولیه» به دست آورد. بنابراین «ضریب تعلق اولیه» هر شغل یا فعالیت به بخش رسمی یا غیررسمی (آرایه های ماتریس)، از طریق شاخص ترکیبی سه ضریب تعلق اولیه به دست می آید. در واقع برای هر شغل یا فعالیت با ۹ گزینه (پاسخ - وضعیت) روبه رو هستیم که برآیند این ۹ حالت، وضعیت نهایی هر شغل را تعیین می کند.

نهایتاً با استفاده از اطلاعات شاغلانی که وضعیت رسمی یا غیررسمی بودن آنها به طور قطعی مشخص گردیده است، رگرسیون‌هایی تخمین زده می شود. این رگرسیون‌ها با استفاده از ویژگی‌های مختلف شاغلان (که بر شانس حضور آنها در بخش غیررسمی یا رسمی مؤثر است) از جمله سن، جنسیت، سطح سواد، شهری یا روستایی بودن، فعالیت در بخش کشاورزی و وضعیت تحصیل تخمین زده می شوند و بر این اساس یک رابطه اقتصادسنجی به صورت زیر تعریف می گردد (رنانی، ۱۳۸۴):

$$IS = \alpha_0 + \alpha_1 D + \alpha_2 D^2 + \alpha_3 S + \alpha_4 EG + \alpha_5 U + \alpha_6 AG + \alpha_7 ST + U \quad (1)$$

که در آن:

IS = نشان دهنده تعلق فرد به بخش رسمی یا غیررسمی

D = سن فرد

S = نشان دهنده جنسیت فرد

EG = سطح سواد

U = شهری یا روستایی بودن

AG = نشان دهنده فعالیت فرد در بخش کشاورزی یا غیرکشاورزی

ST = نشان دهنده در حال تحصیل بودن یا نبودن فرد

U = جزء اخلاص

با تخمین رابطه فوق می توان تأثیر هر یک از ویژگی های شاغلان را بر شانس حضور آنها در بخش رسمی یا غیررسمی محاسبه نمود. این شانس با استفاده از ضریب  $\theta$  برآورد می شود که مقدار این ضریب به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$\theta_j = \frac{\sum_i K_{ij} \alpha_i}{\sum_i \alpha_i}$$

که در آن:

$\theta_j$  شانس حضور فرد  $j$  در بخش رسمی

$\alpha_i$  ضرایب برآوردی رگرسیون برای  $i$  امین ویژگی

$K_{ij}$  متغیر صفر و یک که در صورتی که فرد  $j$  از نمونه گیری دارای ویژگی  $i$  باشد

معادل ۱ و در غیر این صورت معادل صفر است.

لازم به ذکر است که منجر  $\theta$  مجموع کلیه ضرایب برآوردی از رگرسیون مربوط به هر استان و صورت  $\theta$  تنها ضریبی را دربر می گیرد که ویژگی مربوط به آن در مورد مشاغل مورد مطالعه حاکم باشد. با استفاده از این ضریب می توان شانس حضور هر فرد جهت حضور در بخش رسمی را محاسبه نمود و به طور مشخص شانس حضور هر فرد در بخش غیررسمی به صورت  $(1-\theta)$  برآورد می شود.

از آنجایی که این محاسبات به تفکیک کد فعالیت های چهار رقمی و بر مبنای نتایج آمارگیری اشتغال و بیکاری خانوارها انجام می گیرد، لذا می توان سهم بخش غیررسمی را به تفکیک ویژگی های مختلف شاغلان محاسبه نمود که یکی از این ویژگی ها نوع جنسیت می باشد.

#### ۶- برآورد و تحلیل ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی

در این قسمت، در چارچوب روش ارائه شده در قسمت قبل و با بکارگیری اطلاعات پایه مربوط به آمارگیری های سالیانه «ویژگی های اشتغال- بیکاری خانوار» در کل کشور، سهم و ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور به صورت میانگین برای دوره زمانی ۱۳۷۶ تا قبل از ۱۳۸۶ محاسبه و شناسایی می شود. سپس سهم شاغلان بخش غیررسمی و ساختار اشتغال در بخش مذکور مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

### ۱-۶ تحلیل سهم اشتغال در بخش غیررسمی به تفکیک جنسیت

در یک نگاه کلی براساس جدول (۲)، ملاحظه می‌شود که از کل شاغلان کشور ۳۰ درصد در بخش غیررسمی و ۷۰ درصد در بخش رسمی مشغول به فعالیت بوده‌اند. همچنین از کل شاغلان مرد در کشور ۲۶ درصد در بخش غیررسمی و ۷۴ درصد در بخش رسمی شاغل می‌باشند. درحالی که این نسبت برای شاغلان زن به ترتیب در بخش غیررسمی و رسمی، ۵۱ درصد و ۴۹ درصد است. این مطلب بیانگر آن است که میزان مشارکت زنان در دو بخش رسمی و غیررسمی نزدیک به یکدیگر است در حالی که میزان مشارکت مردان در دو بخش رسمی و غیررسمی دارای اختلاف زیادی است؛ بطوریکه سهم شاغلان مرد رسمی تقریباً ۳ برابر سهم شاغلان مرد در بخش غیررسمی است. این نکته حاکی از این است که به طور کلی احتمال اشتغال زنان در بخش غیررسمی بسیار بالاتر از مردان است. به دیگر سخن، درحالی که تقریباً از هر دو نفر زن شاغل یک نفر (۵۰ درصد) آنها به بخش غیررسمی می‌رود، این نسبت برای مردان ۲۶ درصد است.

جدول (۲): سهم شاغلان با ویژگی‌های مختلف در بخش رسمی و غیر رسمی (درصد)

بخش های ویژگی های شاغلان	رسمی	غیر رسمی	جمع
کل شاغلان	۷۰	۳۰	۱۰۰
شاغلان مرد	۷۴	۲۶	۱۰۰
شاغلان زن	۴۹	۵۱	۱۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

### ۲-۶ سهم اشتغال غیررسمی در میان شاغلان با ویژگی‌های مختلف

براساس جدول (۳) ملاحظه می‌شود که تنها ۱۶ درصد از شاغلان مرد روستایی با سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر به صورت غیررسمی فعالیت داشته‌اند. این وضعیت به خصوص در مورد شاغلان شهری تشدید می‌شود و تنها در حدود ۵ درصد از شاغلان مرد شهری با سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر به صورت غیررسمی مشغول به فعالیت بوده‌اند. این وضعیت برای زنان با مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر نیز صادق است. بنابراین صرف نظر از جنسیت، شاغلان با



سطح تحصیلات دیپلم و بالاتر در صورت سکونت در روستا شانس کمتری برای ورود به فعالیت‌ها در بخش رسمی دارند و مشارکت آنها در بخش غیررسمی سهل‌تر است. زیرا روستائیان براساس نوع مشاغل موجود (اغلب کشاورزی) شرایط مناسب‌تری برای حضور در بخش غیررسمی دارند. در واقع ویژگی برخی مشاغل - مانند مشاغل کشاورزی - به گونه‌ای است که به صورت بالقوه امکان فعالیت به صورت غیررسمی در آنها بیشتر است و سهم بالای این مشاغل در فعالیت‌های روستایی منجر به این شده است که روستائیان بیشتر به سمت فعالیت‌های غیررسمی سوق داده شوند. البته، از طرف دیگر، بسیاری از اعضای خانوار (مانند زنان خانه‌دار و فرزندان محصل) نیز بایستی جهت تأمین معاش در کنار سرپرست خانوار به فعالیت پردازند (مثلاً جهت برداشت محصولات کشاورزی) که اغلب این فعالیت‌ها نیز در بخش غیررسمی و تحت عنوان کارکن فامیلی صورت می‌پذیرد.

در مورد شاغلان زیر دیپلم، سهم شاغلان غیررسمی در بین شاغلان مرد روستایی با تحصیلات کمتر از دیپلم بیش از ۴۵ درصد و سهم شاغلان غیررسمی در بین شاغلان زن روستایی زیر دیپلم در حدود ۸۰ درصد بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سهم شاغلان غیررسمی در میان شاغلان زن شهری با تحصیلات کمتر از دیپلم ۴۷ درصد و این سهم برای شاغلان غیررسمی مرد شهری تنها در حدود ۱۶ درصد بوده است. این امر در واقع نشان دهنده وجود ویژگی غالب «زن بودن» در جذب به سوی بخش غیررسمی می‌باشد.

جدول (۳): سهم اشتغال غیر رسمی در میان شاغلان با ویژگیهای مختلف (درصد)

ویژگی های شاغلان	مرد-روستایی	مرد-شهری	زن-روستایی	زن-شهری
مرد-دیپلم و بالاتر	۱۶	۵	-	-
زن-دیپلم و بالاتر	-	-	۱۶	۳
مرد-زیر دیپلم	۴۵	۱۶	-	-
زن-زیر دیپلم	-	-	۸۰	۴۷

مأخذ: محاسبات تحقیق

### ۳-۶ سهم شاغلان غیررسمی در بخش‌های عمده اقتصادی به تفکیک جنسیت

تحلیل سهم شاغلان غیررسمی به تفکیک بخش‌های مختلف اقتصادی می‌تواند وضعیت کلی هریک از بخش‌های عمده اقتصادی کشور را نمایان سازد. در واقع سهم بالای شاغلان غیررسمی در یک بخش اقتصادی خاص نشان از ویژگی‌های خاص آن بخش در جذب شاغلان غیررسمی با ویژگی‌هایی همچون سطح سواد پایین و مهارت‌های اندک دارد.

به طور کلی در مجموع از بین بخش‌های مختلف اقتصادی در طی سال‌های مورد مطالعه، بخش کشاورزی همواره بیشترین سهم اشتغال خود را در بخش غیررسمی به کار گمارده است، به گونه‌ای که در طی سالهای مذکور به طور متوسط سهمی بالاتر از ۷۰ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی به صورت غیررسمی در این بخش فعال بوده‌اند. در واقع فعالیت‌های این بخش به گونه‌ای است (فناوری کاربر، سرمایه اندک، مالکیت خانوادگی، خوداشتغالی، اشتغال فصلی، واحدهای کوچک و...) که اغلب نیازمند تخصص ویژه‌ای نبوده و در آنها شرایط مناسبی جهت نظارت‌های بخش دولتی وجود ندارد و در نتیجه سهم بالایی از شاغلان غیررسمی در این بخش جذب می‌شوند.

همانطور که در جدول (۴) ملاحظه می‌گردد به طور کلی ۷۳ درصد از کل شاغلان بخش کشاورزی به صورت غیررسمی فعالیت داشته‌اند. در میان شاغلان مرد، سهم کشاورزان مرد غیررسمی ۶۹ درصد و در میان شاغلان زن، سهم کشاورزان زن غیررسمی ۹۶ درصد بوده است که نشان از اهمیت ویژگی جنسیت جهت مشارکت در بخش غیر رسمی (نسبت به سایر ویژگی‌های شغلی مطرح شده برای یک فرد) دارد. ویژگی‌های برخی مشاغل مانند کشاورزی به گونه‌ای است که به صورت بالقوه امکان فعالیت به صورت غیررسمی در آن بیشتر است. علاوه بر این زنان شاغل در بخش کشاورزی معمولاً در کنار سرپرست خانوار و تحت عنوان کارکنان فامیلی جهت تامین معاش، فعالیت می‌نمایند. از این رو است که زنان شاغل در بخش کشاورزی سهم بسیار بالایی در فعالیت‌های غیررسمی دارند.

این ترکیب اشتغال با وجود سهم پایین شاغلان غیررسمی در سایر بخش‌های عمده اقتصادی کشور نیز تا حدودی برقرار بوده است. با این تفاوت که به عنوان مثال در بخش صنعت (به دلیل ویژگی‌های خاص این بخش در مقایسه با سایر بخش‌ها) نقش جنسیت در ویژگی

شغلی افراد مشخص تر است به گونه‌ای که باید گفت احتمال ورود زنان بخش صنعت به فعالیت غیررسمی ۶ برابر این احتمال برای مردان است.

در میان بخش‌های عمده اقتصاد، بخش خدمات کمترین سهم از شاغلان خود را در بخش غیررسمی به کارگرفته است، به گونه‌ای که تنها ۷ درصد از کل شاغلان این بخش غیررسمی می‌باشند. تفاوت این بخش با سایر بخش‌ها، با مشارکت بیشتر مردان در بخش غیررسمی نسبت به زنان نمود بیشتری می‌یابد. در واقع زنان فعال در بخش خدمات معمولاً در مشاغل کاملاً رسمی، چون خدمات آموزشی، اشتغال دارند و یا اشتغال آنها در فعالیت‌هایی است که به طور نسبی قابلیت پنهان سازی یا گریز آنها کمتر است. همچنین اشتغال غیررسمی زنان در بخش خدمات بیشتر به صورت موردی و بسیار پراکنده است، به طوری که گاهی این گونه فعالیت‌ها - به ویژه در مناطق روستایی - به عنوان یک شغل مطرح نمی‌شود و در نتیجه به هنگام سرشماری زنان چنین فعالیت‌هایی را به عنوان شغل مطرح نمی‌نمایند در این صورت در مورد اشتغال غیررسمی زنان با کم شماری روبه رو خواهیم بود. از طرف دیگر ویژگی فعالیت‌های خدماتی به گونه‌ای است که زنان به دلیل محدودیت‌ها و موانع فرهنگی در برخی از مشاغل بخش خدمات، مانند دلالی و دستفروشی، نمی‌توانند مشارکت داشته باشند، در حالی که این مشاغل قابلیت بسیار زیادی جهت فعالیت به صورت غیررسمی دارند.

جدول (۴): سهم شاغلان غیر رسمی با ویژگی‌های مختلف در بخش‌های اقتصادی (درصد)

ویژگی‌های بخش‌ها	مرد	زن	سهم کل
کشاورزی	۶۹	۹۶	۷۳
صنعت	۱۰	۶۱	۲۴
ساختمان	۱۷	۲۷	۱۷
خدمات	۷	۵	۷

مأخذ: محاسبات تحقیق

#### ۴-۶ ساختار اشتغال زنان در بخش غیررسمی کشور

در قسمت قبل سهم شاغلان غیررسمی در میان شاغلان با ویژگی‌های مختلف، در کل کشور مورد محاسبه و ارزیابی قرار گرفت. در ادامه نحوه توزیع شاغلان در بخش غیررسمی و به طور کلی ساختار درونی اشتغال در بخش غیررسمی مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. جدول (۵) توزیع شاغلان رسمی و غیررسمی را براساس ویژگی جنسیتی نشان می‌دهد. براساس این جدول، از کل شاغلان کشور، ۱۵ درصد زن و ۸۵ درصد مرد هستند. همچنین در بخش رسمی ۹۰ درصد شاغلان مرد و ۱۰ درصد زن می‌باشند در حالی که در بخش غیررسمی ۷۵ درصد شاغلان مرد و ۲۵ درصد زن بوده‌اند. همان گونه که ملاحظه می‌شود مردان نسبت به زنان حضور بیشتری در بخش رسمی داشته‌اند.

جدول (۵): توزیع شاغلان رسمی و غیر رسمی بر اساس ویژگی‌های مختلف (درصد)

بخش های ویژگی های شاغلان	کل شاغلان	بخش رسمی	بخش غیر رسمی
زن	۱۵	۱۰	۲۵
مرد	۸۵	۹۰	۷۵
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

#### ۵-۶ توزیع بخشی شاغلان غیررسمی بر اساس جنسیت

جدول (۶) توزیع بخشی شاغلان غیررسمی را براساس ویژگی جنسیت نشان می‌دهد. براساس جدول یاد شده از کل شاغلان غیررسمی زن، سهم بالایی از آنان (۵۴ درصد) در بخش کشاورزی اشتغال داشته‌اند و درصد بسیار ناچیزی از آنان (۳ درصد) در بخش خدمات شاغل بوده‌اند. در مقابل، سهم شاغلان غیررسمی مرد در بخش صنعت کمتر از سایر بخش‌ها بوده است.

جدول (۶) توزیع بخشی شاغلان غیر رسمی بر اساس ویژگیهای اصلی (درصد)

ویژگی های بخش ها	زن	مرد	سهم کل
کشاورزی	۵۴	۷۳	۶۸
صنعت	۴۳	۶	۱۵
ساختمان	۰	۹	۷
خدمات	۳	۱۲	۱۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

## ۶-۶ توزیع شاغلان غیررسمی بر اساس جنسیت در هر یک از بخش های اقتصاد

جدول (۷) توزیع شاغلان بخش غیررسمی بین ویژگیهای اصلی را در هر یک از بخشهای اقتصادی، نشان می‌دهد. در واقع جدول مذکور ساختار اشتغال غیررسمی کشور را در هر یک از بخش‌های عمده اقتصاد بر مبنای ویژگی جنسیت مشخص می‌نماید. سهم شاغلان مرد در میان شاغلان غیررسمی همه بخش‌ها به جز بخش صنعت بیشتر از شاغلان زن می‌باشد. بطوریکه می‌توان گفت در میان شاغلان غیررسمی بخش صنعت سهم شاغلان زن بیش از ۲ برابر شاغلان مرد است. همچنین زنان در بخش غیررسمی ساختمان حضور بسیار ناچیزی دارند (۱ درصد).

جدول (۷): توزیع شاغلان غیر رسمی بین ویژگیهای اصلی در هر یک از بخش های اقتصادی

ویژگی های بخش ها	زن	مرد	سهم کل
کشاورزی	۲۰	۸۰	۱۰۰
صنعت	۷۰	۳۰	۱۰۰
ساختمان	۱	۹۹	۱۰۰
خدمات	۸	۹۲	۱۰۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

## ۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بررسی شاخص بخش غیررسمی در میان زنان و مردان نشان می‌دهد که احتمالاً اشتغال در بخش رسمی برای زنان نسبت به اشتغال در بخش غیررسمی، سخت‌تر و با موانع بیشتری مواجه است. به گونه‌ای که ۲۵ درصد از شاغلان بخش غیررسمی کشور را زنان تشکیل می‌دهند در حالی که تنها ۱۰ درصد مشاغل رسمی کشور به زنان اختصاص دارد. این امر سبب شده تا حدود نیمی از زنان شاغل در بخش غیررسمی فعالیت داشته باشند (این سهم برای مردان شاغل در حدود ۲۶ درصد می‌باشد). به عبارت دیگر آن دسته از زنانی که فرصت اشتغال می‌یابند شانس جذب آنها در بخش رسمی، بسیار کمتر از مردان است. این مسئله از دو جنبه می‌تواند قابل بررسی باشد. از یک سو می‌توان موانعی (بعضاً قانونی) که ممکن است بر سر راه اشتغال رسمی زنان وجود داشته باشد را مورد بررسی قرار داد (به عبارتی آنچه ممکن است باعث شود که بخش رسمی قابلیت و آمادگی کمتری برای جذب این گروه‌ها داشته باشد)، از سوی دیگر این گروه‌ها (زنان) نیز شرایطی دارند که حضور در بخش غیررسمی را آسانتر می‌پذیرند.

بنابراین در صورت وجود موانع اشتغال رسمی برای زنان، تلاش در جهت شناسایی این موانع و سیاستگذاری‌هایی در راستای کاهش موانع شناسایی شده می‌تواند سهم بخش رسمی اشتغال زنان را تقویت نماید. علاوه بر این افزایش قابلیت‌های زنان در بازار کار (از جمله افزایش مهارت‌های شغلی و سطح سواد) نیز می‌تواند به عنوان یک سیاستگذاری مناسب در راستای حمایت غیر مستقیم از اشتغال رسمی زنان و افزایش شانس حضور آنان در بخش رسمی به شمار آید.

علاوه بر این نتایج مطالعه نشان می‌دهد که شانس حضور در بخش غیررسمی برای زنان در مقاطع تحصیلی دیپلم و بالاتر تفاوت چندانی با شانس حضور مردان (با همان موقعیت) در بخش غیررسمی ندارد. این در حالی است که در مقطع تحصیلی کمتر از دیپلم احتمال اشتغال در فعالیت‌های غیررسمی برای زنان بسیار بیشتر از مردان با موقعیت مشابه است. این موضوع اهمیت تحصیلات در افزایش قابلیت‌های نیروی کار جهت جذب در بخش رسمی را نشان می‌دهد. بنابراین افزایش سطح تحصیلات زنان (به ویژه در مقاطع عالی) می‌تواند به عنوان یکی از سیاست‌های مؤثر در راستای تقویت حضور زنان در بخش رسمی به شمار آید.

همچنین بررسی توزیع شاغلان غیررسمی به تفکیک بخش‌های عمده اقتصادی کشور نیز نکات مهمی را گوشزد می‌سازد. این بررسی نشان می‌دهد که در بین بخش‌های غیر کشاورزی، اکثریت شاغلان غیررسمی زن در بخش صنعت فعالند در حالی که کمترین سهم از مردان شاغل در بخش غیررسمی به بخش صنعت اختصاص یافته است. بررسی توزیع شاغلان غیررسمی زن و مرد در بخش‌های عمده اقتصادی کشور نشان می‌دهد که سهم این دو گروه در بخش صنعت به ترتیب معادل ۴۳ و ۶ درصد بوده است. شاید بتوان این تفاوت زیاد را بیشتر ناشی از فعالیت زنان در مشاغل خانگی (از جمله قالیبافی و سایر صنایع دستی) دانست. به طور کلی ماهیت مشاغل خانگی به گونه‌ای است که احتمال غیررسمی بودن آنها بسیار زیاد می‌باشد. بنابراین با توجه به حضور وسیع زنان فعال در مشاغل خانگی هر گونه سیاستگذاری در راستای حمایت از این مشاغل به صورت غیرمستقیم زنان شاغل را تحت پوشش قرار می‌دهد. لذا اعمال سیاستگذاری‌های خاصی در راستای بیمه مشاغل خانگی توسط دولت می‌تواند به صورت غیرمستقیم به حمایت از شاغلان زن غیررسمی در این بخش و سوق دادن آنها به فعالیت‌های رسمی منجر شود.

به طور کلی می‌توان گفت نظر به اینکه تقریباً نیمی از اشتغال زنان کشور در بخش غیررسمی است، هرگونه سیاست‌گذاری در زمینه اشتغال باید با ملاحظه بخش غیررسمی صورت گیرد، در غیر اینصورت تضمینی برای موفقیت آن سیاست نخواهد بود.

## منابع

- ۱- احمدی شادمهری، محمد طاهر (۱۳۸۶)، «بررسی وضعیت شاغلان در بخش غیررسمی (مطالعه موردی، شهرستان مشهد)»، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۱، ص ۱۵۹-۱۳۹.
- ۲- توماس، جی جی. ریسکاوچ، رائل. ویستو، وینچز (۱۳۷۶)، «اقتصاد غیررسمی»، منوچهر نوربخش و کامران سپهری، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۳- رنانی، محسن (۱۳۸۲)، «بررسی ساختار اشتغال در بخش غیررسمی استان اصفهان»، طرح تحقیقاتی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان
- ۴- رنانی، محسن. (۱۳۸۴). «بررسی بخش غیررسمی قابل ارتقاء در ایران»، طرح پژوهشی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- ۵- رضوانی، سید عارف (۱۳۸۵)، «تحلیل اندازه و ساختار اشتغال غیررسمی شهری در استان قم»، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- ۶- شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰)، «برآورد اقتصاد غیررسمی در ایران و تحلیل پیدایش آن (رویکرد منطق فازی)»، پایان نامه دکتری اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- عرب مازار یزدی، علی (۱۳۸۴)، «اقتصاد سیاه در ایران»، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۸- لهسایی زاده، عبدالعلی و افسانه امیدی (۱۳۸۰)، «بررسی جایگاه زنان در اقتصاد غیررسمی»، پژوهش زنان، شماره ۲، ص ۴۸-۲۵.
- ۹- مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، «مشارکت سیاسی زنان در ایران»، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۸-۱۰.
- ۱۰- نایب، سعید (۱۳۷۸)، «بررسی ساختار بازار کار بخش غیررسمی شهری در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- ۱۱- نیلی، مسعود و ملکی، منصور (۱۳۸۵)، «اقتصاد غیررسمی: علل ایجاد، روشهای تخمین و اثرات آن بر بخش رسمی»، فصلنامه علمی و پژوهشی شریف، شماره ۳۶، ص ۴۵-۵۶.

12- Amin, Nurul. (2002/4), "The Informal Sector in Asia from the Decent Work Perspective", working paper on the informal economy, ILO.

13- Bernabe, S. (2002), "A Profile of Informal Employment: the Case of Georgia", Working Paper, ILO, Geneva.



14- Brewer, L. (2005), "Youth at risk: The role of skills development in facilitating the transition to Work", Skills Working Paper No. 19, In Focus Programme on Skills, Knowledge and Employability (Geneva, ILO), pp. 1-36.

15- Capt, J. (2007), "Skills development and gender", powerpoint presentation, Skills and Employability Department (Geneva, ILO).

16- Chen, M.A., Jhabvala, R. and F. Lund (2002), "Supporting workers in the informal economy: a policy framework", ILO Employment sector Working Paper on the informal Economy, No. 2002/2, pp. 1-43.

17- Chouksey, R. (2007), "Skill development for informal sector in India: Challenges and Strategies", paper presented at a conference on 'Approaching inclusive growth through skills development', 12-13 Feb. 2007 (UNESCO/GTZ/Government of India), see [www.skilldevelopmentindia.com](http://www.skilldevelopmentindia.com) [5 Aug. 2008].

18- Funkhouser, E. (1996), "The Urban Informal Sector in Central America; Household Survey Evidence", World Development, Vol. 24, No. 11, pp. 1737-1751.

19- ILO (1993), "Report of the Conference; Fifteenth International Conference of Labour Statisticians", Geneva.

20- ILO (2002), "Report VI: Decent Work and the Informal Economy", Sixth Item on the Agenda, 90th Session", ILO, Geneva.

21- ILO (2005a), "World employment report 2004-05: Employment, productivity and poverty Reduction", Geneva.

22- ILO (2006), "ILO Association of the Philippines: Colloquium on Workers Protection in the Informal Economy through Occupational Safety and Health (OSH), Social Health Insurance Coverage (SHIC) and Self-Help Schemes in Social Protection (SHSSP)", Manila.

23- Mitra, A. (2007), "Skill development for the informal sector – trends and requirements", paper presented at a conference on 'Approaching inclusive growth through skills development', 12-13 Feb. 2007 (UNESCO/GTZ/Government of India), see [www.skilldevelopmentindia.com](http://www.skilldevelopmentindia.com) [5 Aug. 2008].

24- Murray, U. (2008), "Gender and skills development: Practical experiences and ways forward", paper prepared for the ILO Skills and Employability Department (SKILLS) (Geneva, ILO).

25- Perry, D. (ed.). (2003), "Moving forward: Toward decent work for people with disabilities. Examples of good practices in vocational training and employment from Asia and the Pacific", (Bangkok, ILO Regional Office for Asia and the Pacific (ROAP)).

26- United Nations Economic and Social Council, ESCAP. (2006), "Economic and Social Commission for Asia and Pacific: Poverty and the Informal Sector, Role of the Informal Sector in Poverty Reduction", Bangkok.